

سعد بن طریف شخصیت دیگر در هر دو سند است که با وصف «صحيح الحديث» توسط شیخ طوسی وصف شده است. البته جناب نجاشی در مورد او فرموده است: «انه يعرف و ینکر» که دلالتی بر ضعف او ندارد. ابن طریف ناقل برخی روایات است که مورد اقبال واقع نشده است. مثل کون الصلاة تتکلم یا کون الفحشاء و المنکر اسماء رجال و کون ذکر الله الاکبر الائمة - علیهم السلام - در هر صورت ابن طریف (که محرفاً «ابن ظریف» نیز ثبت شده است) قابل اعتماد در نقل است. تتبع بیشتر را از متون رجالی متاخر باید پی گرفت و حاصل آن اعتبار روایات وی بوده است.<sup>1</sup>

اصبغ بن نباته بحثی در اعتبارش نیست.

بنابر این سند نجاشی به عهد (فارغ از همه ملاحظات بیرونی)<sup>2</sup> قابل اعتماد است.

### بررسی سند شیخ طوسی به عهد

در سند شیخ سه فرد جدید (غیر از رجال نجاشی) حضور دارند بدین قرار: ابن ابی جید، محمد بن حسن و حسن بن ظریف.

در مورد ابن ابی جید (علی بن احمد بن محمد بن ابی جید) گفته شده: از مشایخ اجازه مثل شیخ طوسی و نجاشی است و همین مقدار در اعتبار او کافی است.

محمد بن حسن (محمد بن حسن بن الولید) امامی، ثقه و جلیل القدر است. حسن بن ظریف (که گاه محرفاً حسن بن طریف نوشته یا تلفظ می شود،) نظیر نسخه ای از فهرست شیخ که در اختیار ماست) کوفی و ثقه است. ضمن این که در سند شیخ، ابن ظریف در کنار هارون بن مسلم ذکر شده است، قهراً اعتبار هارون برای اعتبار سند کفایت می کند.

### تعویض سند

با اعتبار سند عهد از طریق جناب نجاشی - که برآیند تحقیق بود - نیازی به اثبات اعتبار سند عهد از طریق شیخ طوسی نیست چنان که در عکس آن نیز همین را باید گفت؛ یعنی اعتبار سند شیخ طوسی ما را از اثبات اعتبار سند جناب نجاشی بی نیاز می کند؛ به ویژه مفاد عهدنامه، مفادی است که سندی وثیق برای جواز استناد نیاز ندارد (فتامل تعرف).

با این همه، اگر خواسته باشیم سند شیخ طوسی را به کرسی اعتبار بنشانیم و فرض را بر عدم اعتبار ابن ابی جید بگذاریم، می توان از نظریه «تعویض سند» استمداد جست و این مشکل را (که البته مشکلی نیست)، حل کرد. تعویض سند اشکالی دارد که یک شکل آن، این است:

1. از قبیل تنقیح المقال فی علم الرجال و معجم رجال الحديث.

2. از قبیل زیبایی و فوق العادگی متن، صلابت محتوا و ورود به مسائلی که نیازمند سند قوی نیست.

«الاعتماد علی مثل ما جاء كثيرا من كلام الشيخ الطوسي في ترجمته للرجال في فهرسته من عبارة:

«اخبرني بجميع كتبه و رواياته فلان عن فلان». فاذا وجدنا عن الشيخ رواية و كان في سندها رجل ضعيف او غير ثابت التوثيق و كان قبل ذلك الرجل من الطرف الذي يقرب الى الامام - عليه السلام - ثقة و كان الشيخ قد ذكر في فهرسته بشأن ذلك الثقة عبارة: «اخبرني بجميع كتبه...» و كان السند الوارد في هذه العبارة تاما فمن حقنا ان نبدل القطعة الاولى من السند الواقعة بين الشيخ و ذاك الثقة التي فيها ذاك الانسان غير ثابت التوثيق بالسند الذي ذكره الشيخ في تلك العبارة في الفهرست». اين تفكر در اين جا به كار می آید؛ زیرا شیخ طوسی نسبت به ابن ولید (محمد بن حسن) و حمیری فرموده است: «اخبرني بروايته فلان عن فلان». حال بر فرض اعتبار سند شیخ به این دو، دیگر نیازمند اصلاح حال ابن ابی جید نخواهیم بود. به هر روی، مطابق تحقیق گذشته: عهدنامه با دو سند قابل اعتماد در اختیار ماست و به آن در استنباط حکم می توان اعتماد کرد.

### متن عهدنامه

قبلا گفته شد که عهدنامه شریف در متون متعددی - با تفاوت هایی - ذکر شده است؛ نظیر تحف العقول حرانی (متوفا 332)، نهج البلاغه محقق رضی (متوفا 404 یا 406)، دعائم الاسلام قاضی نعمان (ابوحنیفه محمد بن نعمان/ متوفی 363)، نهج الادب فی فنون العرب شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب نویری (متوفا 732) و...

از طرف دیگر، شیخ طوسی و جناب نجاشی متن عهدنامه را نقل نکرده اند، قهرا این پرسش رخ می نماید که نظر این دو به کدام متن بوده است؟

البته می توان به برخی قرائن تمسک کرد که این دو به نسخه نهج البلاغه نظر داشته اند. شیخ طوسی در سال 408 (در سن 23 سالگی) وارد بغداد می شود و این در حالی است که به دلیل شاگردی شیخ در محضر برادر شریف رضی (سید مرتضی) و شهرت واسع این کتاب در محیط بغداد با این خانواده و کتاب آشنا بوده است. جناب نجاشی نیز در مجالس سید رضی شرکت می کرده و لذا در کتاب رجالی خویش از سید رضی و آثار متعدد او به ویژه کتاب نهج البلاغه یاد کرده است. سید رضی نیز دأبش بر در اختیار گذاشتن کتابش به اصدقا بوده است (در مقدمه نهج البلاغه است: «فاستحسن جماعة من الاصدقاء»).

اصولا جنس کتاب نهج البلاغه به دلیل برخورداری از بلاغت نامی و سامی و علاقه عرب به این سنخ از جمله ها (فارغ از محتوای بلند آن) فرصت وسیع را برای عرضه و طرح این کتاب - از جمله دسترسی شیخ طوسی و نجاشی به آن - ایجاد می کرده است.